



مقایسه هوش معنوی و سبک‌های اسنادی در زنان معناد و غیرمعناد

نویسندگان: رضا کریمی نژاد^۱، زهره طباطبایی شهربابکی^۲

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، آموزش و پرورش یزد

Email: rkarami1352@gmail.com

تلفن تماس: ۰۹۸۹۱۳۳۵۶۴۱۲۳

۲. کارشناس زیست‌شناسی و آزمایشگاه، آموزش و پرورش یزد

طلوع بهداشت

چکیده

مقدمه: هوش معنوی به درک رابطه با سرچشمه هستی و معنا بخشی به زندگی گفته می‌شود؛ یعنی آنچه هدف غایی ما از زیستن است را تشکیل می‌دهد. این پژوهش باهدف مقایسه هوش معنوی و سبک‌های اسنادی زنان معناد و غیر معناد شهر یزد انجام شده است.

روش بررسی: این پژوهش این پژوهش از نوع همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه زنان شهر یزد در سال ۱۳۹۲ بود، که نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای از مناطق سه‌گانه شهر یزد انتخاب شد؛ و از جامعه زنان معناد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد در شهر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی نمونه‌ای با حجم ۱۰۸ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از پرسشنامه هوش معنوی ۲۹ سؤالی عبدالله زاده وهمکاران و از پرسشنامه سبک اسنادی پترسون و سلیگمن (ASQ) استفاده شد و داده‌ها با روش‌های آماری تی مستقل و همبستگی پیرسون تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش بیانگر تفاوت معنادار میان هوش معنوی زنان معناد و غیر معناد بود (یک دامنه، $P < 0/05$ ، $t=3/22$ ، $df=406$)، همچنین زنان معناد به‌طور معناداری از سبک اسنادی منفی در برابر شکست‌ها استفاده می‌کردند (یک دامنه، $P < 0/001$ ، $t=5/90$ ، $df=406$) و بین هوش معنوی و سبک‌های اسنادی همبستگی مثبت وجود دارد ($r=0/582$ ، $N=306$ ، $P < 0/001$ ، دو دامنه).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش، بدون درک معنای زندگی، زیستن ارزش‌چندانی برای انسان نخواهد داشت. چراکه رنج زندگی بدون معنویت، رنج معنادار نخواهد بود؛ و در مواجهه با چالش‌های زندگی انسان را به کناره‌گیری و درماندگی خواهد رساند. بر همین اساس یافتن معنای زندگی و داشتن سبک‌های اسنادی مثبت از عوامل اثرگذار بر گرایش افراد به مواد مخدر است.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، سبک‌های اسنادی، سوء مصرف مواد، اعتیاد.

دو ماهنامه علمی پژوهشی

دانشکده بهداشت یزد

سال پانزدهم

شماره: اول

فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۵۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۸

مقدمه

اعتیاد (Addiction) به‌عنوان یکی از چالش‌های امروز بشر، دیگر پدیده‌ای غریب و ناآشنا محسوب نمی‌شود. امروز بسیاری از مردم چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم با مشکلات حاصل از سوءمصرف مواد دست‌به‌گریبان هستند. برای رهایی از این مشکلات و کاهش تمایل به مصرف مواد، باید عوامل اثرگذار بر این پدیده شناسایی شوند. سوءمصرف مواد را نمی‌توان فقط مشکلی جسمانی، روانی یا اجتماعی دانست بلکه نتیجه تعامل چندین مشکل است (۳). برای بررسی این عوامل پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، اما به کشف اساسی‌ترین باورهای مرکزی یا طرح‌واره‌هایی که بیشترین تأثیر فراگیر را بر عملکرد روان‌شناختی فرد دارند، توجه اندکی شده است (۴). درک معنای زندگی و آنچه در قالب هوش هیجانی مطرح است، یکی از این باورهای عمیق که بر جنبه‌های گوناگون زندگی بشر اثرگذار است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین هوش معنوی و آمادگی اعتیاد به مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد (۵). همچنین بین هوش معنوی و سلامت روان معتادان و غیرمعتاد تفاوت معنادار مشاهده شده است (۶).

معنویت بعد جدانشدنی انسان است که به زندگی او رونق، معنا و حیات واقعی می‌بخشد. بدون معنویت زندگی سراب، پوچ و خالی از لطف است. معنویت بعدی از وجود انسان است که فرارونده است و انسان را افراد دیگر، طبیعت و هستی متصل می‌کند (۷). تعاریف گسترده‌ای از معنویت ارائه شده است. اگرچه اغلب پژوهشگران بین مذهب و معنویت تمایز قائل‌اند در پیش‌فرض‌های



خود برای هوش معنوی به‌وضوح بیان می‌کنند که معنویت مترادف با مذهبی بودن نیست (۸)، اما همپوشی فراوان بین این دو غیرقابل‌انکار است (۷). معنویت را رابطه فرد با خدا و قدرت متعالی، واگذاری امر به او، اعتماد به قدرت و هدایت همه‌جانبه او می‌دانند (۹). هنگامی که به تعریف تورسون و پلانته توجه می‌کنیم. متوجه می‌شویم که تمامی این تعاریف در ابعادی متعالی‌تر تحت عنوان توکل در دین اسلام مطرح شده است. توکل سپردن کار به دیگری است و توکل بر خداوند تکیه کردن و واگذاری همه امور به علت‌العلل و مسبب‌الاسباب است، با این عقیده که وکیل با آگاهی و علم مطلق خود توانایی آن را دارد که از موکل خویش بهترین نگاهبانی را انجام دهد. پیامبر (ص) فرمود: هر که دوست دارد، نیرومندترین مردم باشد، توکل بر خدا نماید (۲). در قرآن کریم نیز آیات قابل‌توجهی درباره موضوع توکل آمده است (۱).

در اغلب تعاریف مطرح شده از معنویت وجوه متعددی از جمله بعد روحانی یا فرامادی، معنا و هدف زندگی، یافتن رسالت زندگی، تقدس زندگی و ... مطرح شده است (۸). ویژگی‌های انسان معنوی را شامل: شهود و درک، ارتباط معنی‌دار با هستی و انسان‌ها و گونه‌های دیگر هستی و ارتباط باخدا، تجربه عرفانی، بهت و حیرت در مقابل عظمت ربوبی و جوانمردی و شکرگزاری می‌دانند (۱۱).

برخی معنویت را به‌عنوان تلاش همواره بشر برای پاسخ به چراهای زندگی تعریف کرده‌اند (۹، ۱۰) و برخی دیگر معنویت را نیازی درونی دانسته‌اند که متضمن بالاترین سطوح رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و فردی است (۱۲).



مشکلات و سختی‌های زندگی از بردباری و صبوری بیشتری برخوردار می‌شود. در واقع، هوش معنوی ظرفیتی برای الهام است و با شهود و نگرش کل‌نگر به جهان هستی، در جستجوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم هست (۱۵).

برخی پژوهشگران هوش معنوی را توانایی تجربه‌شده‌ای می‌دانند که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد. با استفاده از هوش معنوی می‌توان میل و قابلیت فرد را برای رسیدن به مقصود و ارزش رشد داد. هوش معنوی به فرد اجازه می‌دهد که رویاروی این قابلیت‌ها باشد و برای رسیدن به آن سخت تلاش کند. هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل، می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد. در مطالعات مختلف نشان داده است که هوش معنوی، لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بالاتری دارند، تحمل آن‌ها در مقابل فشارهای زندگی بیشتر بوده و توانایی بالاتری برای سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند (۱۶).

هوش معنوی می‌تواند با روش‌های متنوعی برای تربیت توجه، تغییر شکل دادن هیجان‌ها و ترویج رفتارهای اخلاقی، رشد یابد. برای رسیدن به موفقیت در زندگی، لازم نیست افراد فقط دارای هوش عمومی بالایی باشند بلکه آنچه لازم است هوش هیجانی و هوش معنوی بالا است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها می‌توان گفت که بین هوش معنوی، صلاحیت‌های شخصی و سلامت ذهن، همبستگی بالایی وجود دارد، این پژوهش‌ها نشانگر آن است که

سازه هوش معنوی (Spiritual Intelligence) یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روان‌شناسان به حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. هوش معنوی زیربنای موضوعاتی است که انسان به آن‌ها ایمان دارد و اساس اعتقادات، ارزش‌ها، اعمال و ساختار زندگی است. هوش معنوی دسترسی انسان به معنا و ارزش و نیز استفاده از آن در شیوه اندیشیدن و تصمیم گرفتن را فراهم می‌کند، به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند (۱۳). هوش معنوی به فرد دیدی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (۷).

هوش معنوی یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به‌طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد. هوش معنوی نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن و روح با زندگی در دنیای هستی است. هوش معنوی می‌تواند به‌وسیله تلاش، جستجو و تمرین پرورش یابد. انسان برای کسب قدرت تشخیص در تصمیم‌گیری‌هایی که به رشد سلامت نفس و روان کمک می‌کند، نیازمند هوش معنوی است (۱۴). زیرا هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود، به‌گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند. در هوش معنوی سؤال آدمی از معنای زندگی مطرح می‌شود که بر اساس پاسخ به این سؤال انسان هدف زندگی را می‌یابد و برای دستیابی به آن تلاش می‌کند. هوش معنوی موجب افزایش قدرت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی فرد می‌شود به‌طوری‌که در برابر



یکی از عمیق‌ترین لایه‌های وجودی انسان می‌دانند. گفته می‌شود که ما مخلوقات هستییم که خود را در این دنیا غریب، سرگردان یا در هوا احساس می‌کنیم و به دنبال آن هستیم که معنایی از حوادث این جهان به خود عرضه کنیم تا خود را از غربت نجات داده و اتصال خود را به مبدائی نشان دهیم تا بتوانیم خود را از تنهایی نجات دهیم (۶). اگر این احساس غربت و تنهایی با اتصال به سرچشمه حیات و توکل بر او آرامش نیابد چونان که «الا به ذکر الله مطمئن القلوب». انسان سرگردان راه‌هایی مجازی را برای رسیدن به این آرامش جستجو می‌کند که به نظر می‌رسد خلسه‌ای موقتی که در پناه به مواد مخدر جستجو می‌شود ناشی از نیافتن منبع آرامش یعنی مبدأ هستی است.

تجربه درماندگی آموخته (Learned Helplessness) شده ابتدا بر این فرض استوار بود که موجودات پس از تجربه حوادث خارج از کنترل، انتظار ناتوانی در کنترل موقعیت‌های مشابه را در خود پرورش می‌دهند (۲۴)، اما این نظریه به دلیل ناتوانی در تبیین دلایل تفاوت افراد در واکنش به تجربه‌های سخت خارج از کنترل توسط تیزدیل در جلسه‌ای زیر سؤال رفت و پس از آن به چرایی این تفاوت واکنش‌ها پرداختند (۲۵). آن‌ها به این نتیجه رسیدند که درماندگی آموخته‌شده تحت تأثیر ادراک فرد از چرایی تجربه غیرقابل کنترل است و مفاهیم سبک‌های اسناد برای رفع کاستی‌های نظریه درماندگی آموخته‌شده مطرح شده است.

اسناد علی‌فرآیندی است که از طریق آن انسان‌ها به عوامل پیدایش یک پیش‌آمد نگاه می‌کنند شیوه معمول در تبیین علل رویدادهای ناگوار صرفاً کلماتی نیست که به هنگام شکست به زبان می‌آید،

هوش معنوی به رشد، غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می‌کند (۱۷). در این نگاه تجربه‌های هیجانی تنها تکانه‌های گذرا محسوب نمی‌شوند، بلکه راه‌های شناخت و انرژی‌بخش زندگی هستند. عشق و علاقه و نوع دوستی یکی از ویژگی‌های اصلی افراد معنوی است و افرادی که به دیگران علاقه و محبت، مهربانی، خوش‌رویی و جوانمردی نشان می‌دهند، افرادی نوع دوست هستند (۷). انسان معنوی انسان خود دوست است. هنگامی که فرد رابطه‌ی خود را با سرچشمه حیات می‌جوید و آن را می‌یابد فراروندگی در این مسیر موجب خود دوستی بیشتر خواهد شد و انسان خود دوست همه چیز خوب را برای خود و دیگران می‌خواهد. اینجاست که به نظر می‌رسد بتوان ردپای رفتارهای خود تخریب‌گر مانند اعتیاد را جستجو کرد.

از طرفی یافتن معنای زندگی موجب می‌شود که رنج و دشواری‌های انسان در زندگی رنج معنادار باشد. رنج معنادار موجب رشد آدمی است. هوش معنوی ممکن است امری شناختی - انگیزشی باشد که مجموعه‌ای از مهارت‌های سازگاری و منابعی را که موجب تسهیل حل مسئله و دستیابی به هدف می‌شوند را معرفی می‌کند؛ هوش معنوی انجام سازگاران و کاربردی این منابع را در موقعیت‌های خاص وزندگی روزمره است (۱۸). مؤلفه‌های عرفان اسلامی به انسان بینش می‌دهند و باعث افزایش سازگاری او با هستی می‌شوند را می‌توان جزئی از مؤلفه‌های هوش معنوی قلمداد نمود (۱۹).

پژوهش‌ها رابطه‌ای معنادار بین هوش معنوی و تاب‌آوری را نشان داده‌اند (۲۰-۲۳). برخی از روان‌تحلیل‌گران جدید معنویت را



شهر یزد انجام گرفته است. با توجه به آنچه بیان شد، این پژوهش به دنبال بررسی فرضیه‌های ذیل است:

۱- هوش معنوی زنان غیرمعتاد بالاتر از هوش معنوی زنان معتاد است.

۲- زنان معتاد از سبک‌های اسنادی منفی‌تری نسبت به زنان غیرمعتاد استفاده می‌کنند.

۳- بین هوش معنوی و سبک‌های اسنادی رابطه همبستگی وجود دارد.

روش بررسی

این پژوهش توصیفی و تحلیلی از نوع همبستگی بود. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل کلیه زنان شهر یزد در سال ۱۳۹۲ بود که نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ زن به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای از مناطق سه‌گانه شهر یزد انتخاب شد. جامعه دیگر شامل تمامی زنان معتاد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد در شهر یزد بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی نمونه‌ای با حجم ۱۰۸ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از دو پرسشنامه هوش معنوی و سبک‌های اسنادی استفاده شده است. پرسشنامه هوش معنوی شامل ۲۹ سؤال است و توسط عبدالله زاده و همکاران در سال ۱۳۸۷ طراحی شده است. پایایی پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمده و برای بررسی روایی، علاوه بر روایی محتوایی صورتی که سؤال‌ها از نظر متخصصان تأیید شده است، از تحلیل عاملی نیز استفاده شده و همبستگی کلیه‌ی سؤال‌ها بالای ۰/۳ بوده است. در چرخش به روش واریماکس برای کاهش متغیرها ۲ عامل اصلی به دست آمده

بلکه عادت فکری است که در گذشته آموخته شده است. سبک اسناد (Attribution Style) از برداشت فرد درباره جایگاه خود در جهان سرچشمه می‌گیرد. سه بعد مهم در سبک تبیین افراد وجود دارد که عبارت از: تداوم (Permanence)، فراگیری (Pervasiveness) و شخصی‌سازی (Personalization) می‌باشد (۲۵).

کسانی که به آسانی دچار ناامیدی می‌شوند، علل رویدادهای ناگوار را پایدار و مداوم می‌دانند، در مقابل افراد خوش‌بین این عوامل را موقتی و گذرا می‌دانند. در فراگیری فرد شکست در یک حوزه را به سایر حوزه‌ها تسری می‌دهند، درحالی‌که افراد خوش‌بین آن را خاص همان موقعیت می‌دانند. در شخصی‌سازی برخی از افراد، خود را موجب پیش‌آمدهای ناگوار می‌دانند، درحالی‌که برخی این پیشامدهای ناگوار را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که افرادی که رویدادهای منفی را به عوامل مداوم، فراگیر و درونی (شخصی) نسبت می‌دهند، خودپنداری پایین‌تر و استرس و اضطراب بیشتری دارند و بعد از رویدادهای استرس‌زا علائم افسردگی بیشتری از خود نشان می‌دهند (۲۶، ۲۷، ۲۸). بر اساس پژوهش‌ها افراد معتاد نسبت به افراد عادی سبک‌های اسنادی بدبینانه‌تری برای وقایع دارند و افراد معتاد بیشتر به درماندگی آموخته شده مبتلا می‌شوند (۳۰، ۲۹).

با توجه به پژوهش‌ها در مورد اهمیت و نقش هوش معنوی و سبک‌های اسناد در چگونگی کیفیت زندگی و اهمیت این متغیرها در توانایی برخورد با فشارها و مشکلات پژوهش حاضر به منظور مقایسه هوش معنوی و سبک‌های اسنادی زنان معتاد و غیرمعتاد



این پژوهش از آزمون‌های تی مستقل و همبستگی پیرسون برای بررسی و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

داده‌های پژوهش از طریق دو روش آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مقایسه دو گروه زنان معنادار و غیرمعنادار در سازه هوش معنوی و سبک‌های اسنادی از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شد. همچنین برای بررسی رابطه میان هوش معنوی و سبک‌های اسنادی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. فرضیه نخست: هوش معنوی زنان غیرمعنادار بالاتر از هوش معنوی زنان معنادار است.

با توجه به داده‌های جدول ۱ می‌توان گفت که میانگین نمره‌های هوش معنوی زنان غیرمعنادار ($M=117/80$) در مقایسه با میانگین نمره‌های هوش هیجانی زنان معنادار ($M=113/85$) بیشتر بوده است. میانگین تفاوت بین شرایط ۳/۹۴ و سطح اطمینان ۰/۹۵ برای تخمین میانگین تفاوت برای جامعه بین ۰/۴۵ و ۷/۴۳ بود. اندازه اثر کوچک و برابر ۰/۲۴ بود ($d=0/39$). آزمون تی گروه‌های مستقل نشان داد که تفاوت میان شرایط معنادار است (یک دامنه، $P<0/05$ ، $t=3/22$ ، $df=406$) و این نشان می‌دهد که هوش معنوی زنان غیرمعنادار به میزان معناداری نسبت به زنان معنادار بیشتر بوده است. در زیر مقیاس‌های زندگی معنوی یا اتکا به هسته (یک دامنه، $P<0/05$ ، $t=2/08$ ، $df=406$) و درک ارتباط با سرچشمه هستی (یک دامنه، $P<0/05$ ، $t=1/97$ ، $df=406$) نیز تفاوت نمره‌ها معنادار بود؛ و زنان غیرمعنادار، نمرات بالاتری را کسب کردند.

که عامل اول با ۱۲ سؤال «درک و ارتباط با سرچشمه هستی» و عامل دوم با ۱۷ سؤال «زندگی معنوی یا اتکا به هسته درونی» نامیده شده است (۳۱). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۹ به دست آمد؛ و پرسشنامه سبک‌های اسنادی پترسون و سلیگمن (ASQ) یک وسیله خود گزارشی است و برای تعیین سبک اسنادی افراد یعنی منبع کنترل (درونی / بیرونی)، میزان پایداری (باثبات / بی‌ثبات)، کلیت (عمومی / اختصاصی) و قابلیت کنترل (کنترل‌پذیر / کنترل‌ناپذیر) ساخته شده است (۲۴). این پرسش‌نامه از انگلیسی به فارسی برگردانده شد و در فرهنگ ایرانی مورد استفاده قرار گرفت (۳۲). این وسیله اندازه‌گیری نمراتی را برای تفاوت‌های فردی در زمینه گرایش افراد به اسناد علل وقایع خوشایند و ناخوشایند به عوامل درونی (در برابر بیرونی)، پایدار (در برابر ناپایدار) کلی (در برابر اختصاصی)، کنترل‌پذیر (در برابر کنترل‌ناپذیر) به دست می‌دهد (۳۳). مطالعات متعددی ثبات درونی پرسشنامه سبک اسناد را تأیید کرده‌اند. ثبات درونی مقیاس‌های هسته‌علیت، ثبات و عمومیت را با استفاده از فرمول آلفا کرونباخ ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند (۳۴). البته وجود چنین ثبات درونی متوسطی در این پرسشنامه یک امر طبیعی است چراکه هر مقیاس دارای تعداد سؤالات کمی است و حتی انتظار ضریب پایایی پایین‌تری نیز می‌توان داشت. همچنین در بسیاری از تحقیقات اعتبار سازه‌ای و ملاکی ASQ مورد تأیید قرار گرفته است (۲۴). پژوهش‌ها رابطه معناداری را مابین اسناد درونی، باثبات و عمومی برای وقایع منفی و افسردگی نشان داده‌اند (۲۵، ۳۵). در



جدول ۱: مقایسه هوش معنوی زنان معنادار و غیرمعنادار

t	زنان معنادار		زنان غیرمعنادار		متغیرها
	SD	M	SD	M	
۳/۲۲*	۱۶/۲۶	۱۱۳/۸۵	۱۵/۶۵	۱۱۷/۸۰	هوش معنوی
۲/۰۸*	۹/۹۶	۶۵/۶۴	۱۰/۳۰	۶۷/۹۹	زندگی معنوی
۱/۹۷*	۶/۵۹	۴۸/۲۲	۷/۴۰	۴۹/۸۱	ارتباط با سرچشمه هستی

جدول ۲: مقایسه سبک‌های اسنادی زنان معنادار و غیرمعنادار

t	زنان معنادار		زنان غیرمعنادار		متغیرها
	SD	M	SD	M	
۵/۹۰*	۵/۱۷	۴/۸۳	۴/۹۸	۸/۱۷	سبک اسناد
۵/۹۰*	۲/۵۸	۱۴/۴۲	۲/۴۹	۱۶/۰۸	اسناد مثبت
-۵/۹۰*	۲/۵۸	۹/۵۸	۲/۴۹	۷/۹۲	اسناد منفی

نمرات زنان غیرمعنادار بالاتر بود، اما در سبک اسناد منفی نمرات زنان معنادار بالاتر بود.

فرضیه سوم: بین هوش معنوی و سبک‌های اسنادی رابطه همبستگی وجود دارد.

بخش دیگری از این پژوهش به بررسی رابطه سبک‌های اسنادی و هوش معنوی اختصاص داشت. نتایج پژوهش نشان داد؛ که بین هوش معنوی و سبک اسناد همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.001$, $N=306$, $r_s=0.582$ ، دو دامنه).

بحث و نتیجه‌گیری

ما مخلوقاتی هستیم که خود را در این دنیا غریب، سرگردان یا در هوا احساس می‌کنیم و به دنبال آن هستیم که معنایی از حوادث این جهان به خود عرضه کنیم تا خود را از غربت نجات داده و اتصال خود را به مبدائی نشان دهیم تا بتوانیم خود را از تنهایی نجات دهیم. اگر این احساس غربت و تنهایی با اتصال به سرچشمه حیات و توکل بر او آرامش نیابد چونان که «الا به ذکر الله مطمئن

فرضیه دوم: زنان معنادار از سبک‌های اسنادی منفی تری نسبت به زنان غیرمعنادار استفاده می‌کنند.

با توجه به داده‌های جدول ۲ می‌توان گفت که میانگین نمره‌های سبک اسناد زنان غیرمعنادار ($M=8/17$) در مقایسه با میانگین نمره‌های هوش هیجانی زنان معنادار ($M=5/17$) بیشتر بوده است. میانگین تفاوت بین شرایط ۳/۳۳ و سطح اطمینان ۰/۹۵ برای تخمین میانگین تفاوت برای جامعه بین ۲/۲۲ و ۴/۴۴ بود. اندازه اثر متوسط و برابر ۰/۶۵ بود ($d=0/65$). آزمون تی گروه‌های مستقل نشان داد که تفاوت میان شرایط معنادار است (یک دامنه، $t=5/90$, $df=406$, $P < 0.001$) و این نشان می‌دهد که سبک اسناد زنان غیرمعنادار به میزان معناداری نسبت به زنان معنادار مثبت‌تر بوده است.

در زیر مقیاس‌های اسناد مثبت (یک دامنه، $P < 0.001$, $df=406$ ، $t=5/90$) و اسناد منفی (یک دامنه، $P < 0.001$, $df=406$ ، $t=5/90$) نیز تفاوت نمره‌ها معنادار بوده است. در زیر مقیاس اسناد مثبت



هستی است. آنجا که آرامش واقعی را به فرد هدیه می‌دهد، و مطمئن القلوب است.

نتایج این پژوهش نشان داد؛ که زنان معتاد از هوش معنوی پایین‌تری نسبت به زنان غیرمعتاد برخوردارند. به نظر می‌رسد. فردی که دارای هوش معنوی بالاتری باشد. هنگام رنج و سختی به دلیل داشتن معنا برای زندگی دچار بی‌تابی کمتری خواهد شد، و رنج و سختی زندگی برای او رنج معنادار است؛ که موجب رشد بیشتر او خواهد شد، اما افرادی که معنایی برای زندگی خود ندارند. هنگام برخورد با مشکلات دچار بی‌تابی خواهند شد؛ و برخی از آن‌ها راه‌هایی از این مشکلات را در مصرف مواد مخدر می‌دانند. متأسفانه مصرف مواد مخدر، در کوتاه‌مدت آبی بر آتش خواهد فشانند؛ اما تنها نشانه‌های رنج و اضطراب را از بین می‌برد و نه خود مشکل را. به همین دلیل پس از مدت کوتاهی که از مصرف مواد گذشت. مشکلات پیشین به همراه مشکل اعتیاد خود را در زندگی فرد نمایان می‌سازد.

نتایج پژوهش نشان داد که هوش معنوی و سبک‌های اسناد مثبت رابطه مثبت و معنادار دارند. داشتن هوش معنوی بالا، می‌تواند به فرد کمک کند. تا به سرچشمه‌ای بی‌پایان متصل شود؛ و هنگام سختی‌ها با سپردن خود به آن سرچشمه بی‌پایان، آرامش را برای خود به ارمغان بیاورد. از طرفی فرد هنگامی که دارای هوش معنوی بالاتری باشد. هنگام مواجهه با مشکلات، اسناد مثبت‌تری خواهد داشت. او وجود مشکل را به دلیل خواست منبع هستی می‌داند و آن را به ناتوانی خود مرتبط نمی‌سازد. این نوع اسناد، فرد را از درماندگی دور می‌سازد؛ زیرا از یک طرف توکل، فرصتی برای بر

القولوب». انسان سرگردان راه‌هایی مجازی را برای رسیدن به این آرامش جستجو می‌کند که به نظر می‌رسد خلسه‌ای موقتی که در پناه به مواد مخدر جستجو می‌شود ناشی از نیافتن منبع آرامش یعنی مبدأ هستی است.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی افراد معتاد و غیرمعتاد تفاوت معنادار وجود دارد، و افراد غیرمعتاد از هوش معنوی بالاتری برخوردارند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های (۵،۶) هماهنگ است. بر اساس این یافته‌ها هوش معنوی نیز یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر گرایش افراد به اعتیاد است. هوش معنوی پایین و به تبع آن نیافتن معنا برای زندگی سبب می‌شود که افراد به گونه‌ای سرگردانی را تجربه کنند، و نسل امروز بشر به دلیل نیافتن معنای زندگی هرروز سرگردان‌تر می‌شود، و چاره‌ی این سرگردانی و رهایی از اضطراب ناشی از این سرگردانی، به مواد مخدر پناه برده است. درحالی‌که بر اساس پژوهش‌ها هوش معنوی میزان تاب‌آوری افراد را افزایش می‌دهد (۲۰-۲۳). بنابراین افراد در شرایط فشار روانی می‌توانند تاب و تحمل بیشتری از خود نشان دهند و دیگر نیاز نیست آرامش را در پناه دیازپام (نام فیلمی مستند) جستجو می‌کند.

پیدا کردن رابطه با مبدأ هستی مستلزم آگاهی است. آگاهی که برای انسان مسئولیت را به همراه دارد. درک این رابطه به زندگی او رونق، معنا و حیات واقعی می‌بخشد. بدون داشتن معنا زندگی سراب، پوچ و خالی از لطف است. گرفتاری در این پوچی و سرگردانی برای بشر ارمغانی جز رنج و ناراحتی و اضطراب به همراه ندارد. چاره‌رهایی از این رنج، بازگشت به رابطه با مبدأ



ساختن بشر از پوچی و سرگردانی و گرایش به مواد مخدر، کمک به آن‌ها در پیدا کردن معنایی برای زندگی‌شان است. تا در سایه‌ی این رابطه بتواند. راه‌حل‌های مناسب‌تری برای مشکلات بیابد. از طرفی به والدین توصیه می‌شود. به سبک‌های اسنادی که فرزندان آن‌ها از شکست‌ها دارند، توجه نمایند، و به آن‌ها کمک کنند. تا برداشت مثبت‌تری از خود داشته باشند، و سبک اسنادی را در آن‌ها ایجاد کنند؛ که انگیزه باز بر خواستن و تلاش کردن را در فرزند آن‌ها به وجود می‌آورد. نه سبک‌های اسناد منفی که موجب انفعال و تسلیم فرزندشان در مقابل مشکلات می‌شود.

خواستن و تلاش دوباره است؛ و از طرفی، پذیرش وجود مشکل در زندگی به فرد امکان می‌دهد. تا کمتر خود را بی‌کفایت و ناتوان برآورد سازد. نتایج این پژوهش نشان داد که اعتیاد با سبک‌های اسنادی مرتبط است؛ و افراد با سبک اسناد منفی که خود را ناتوان و مشکلات رادانمی تر می‌دانند. گرایش بیشتری به مصرف مواد مخدر نشان می‌دهد؛ که یافته‌های این پژوهش نتایج پژوهش‌های (۲۹، ۳۰) را مورد تأیید قرار می‌دهد. با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان گفت، که یکی از راه‌های رها

References

- 1- The Holy Quran: Surah Ale-Emran / 122 and 159 and Surah Maedeh/11 and Surah Tobeh/51 and Surah Mojadelah/10 and Surah Taghabon/131.
- 2- Allamah Muhammad Baqir al-Majlisi. Bihar al-Anwar, vol 71, pp 151.
- 3- National Institute of Drug Abuse. Drug Abuse Prevention [on-line] 2007. Available from: <http://www.drugabuse.gov/publications/topics-in-brief/drug-abuse-prevention>.
- 4- Roper L, Dickson JM, et al. Maladaptive Cognitive Schemas in Alcohol Dependence: Changes Associated with a Brief Residential Abstinence Program. Cognitive Therapy Research 2010; 34(3): 207-15.
- 5- Marashi SA, Mehrabian T, et al. Investigate the relationship between personality traits (the Big 5), life satisfaction and spiritual intelligence with drug addiction in preparation for a manufacturing company in the city of Mehran. Achieve Psycho 2014; 11: 203-22. [Persian]
- 6- Moalemi S, Raghbi M, Salaridargi, Z. The comparison of spiritual intelligence and mental health between addicted and non-addicted people. J Shaheed Sadoughi Uni Med Sc; High Risk Behavior Conference 2010; 18 (3): 235-42. [Persian]
- 7- Ghojari-Bonab B, Raqhbayan R. Child, Adolescent and spirituality. Tehran: Publication Ystroun; 2008: 1-25.



- 8- Elkins DN, Hedsrom LJ, Hughes LL, Leaf JA, and Saunders CH. Toward a humanistic phenomenological spirituality. *Journal of humanistic psychology* 1988; 28: 5-18.
- 9- Vaughan F. what is spiritual intelligence? *J Humanistic Psychol* 2003; 42(2): 16-33.
- 10- Koenig HG, Michael E, McCullough ME, Larson DB.. *Handbook of Religion and Health*. England: OxfordUniversityPress; 2001:105-109.
- 11- Beck U. *Risk society: towards a new modernity*. London: Sage; 1992: 17-36.
- 6- Coles R. *The spiritual life of children*. Boston: Houghton Mifflin; 1990: 21-7.
- 12- Farrow J. Spirituality and self-awareness. *The Friends Quarterly* 1984; 23: 317-8.
- 13- Sohrabi F. Introduction to Spiritual Intelligence. *Mean J Special Issue: Psychol Religion* 2006; 2: 17-24. [Persian]
- 14- Vaughan F. Spiritual in psychotherapy. *J Transpersonal psychol* 1993; 23(2): 105- 19.
- 15- McSherry WP, Draper D, Kendrick D. The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care. *Int J Nurs Studies* 2002; 39 (7): 723-34.
- 16- Gain M, Purohit P. Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens. *J Indian Academy App Psychol* 2006; 32(3):227-33.
- 17- Baezt F, Sharifzade H. The relationship between intellectual intelligence and emotional intelligence and occupational stress in university staff. *Journal of Occupational and Organizational Consultation* 2012; 4 (13): 68-55.
- 18- Nasel DD. *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality* [MD thesis]. The university of south Australia. 2004.
- 19- Ghobari-Bonab B, Salimi M, Slyany L, Nouri-Moghadam Sana. *Spiritual Intelligence*. *Biker Religion* 2007; 3 (10): 147-25. [Persian]
- 20- Hamid N, Kykhsrvany M, Babamiri M. and Dehghani, M. Exploring the relationship between mental health and spiritual intelligence and resilience in Kermanshah University of Medical Sciences. *Jntashapyr J* 2012; 3 (2): 338-1. [Persian]
- 21- Nakashima M, Canda ER. Positive dying and resiliency in later life: A qualitative study. *J Aging Studies* 2005; 19: 109-25.



- 22- Pan JY, Wong DFK, et al. Meaning of life as a protective factor of positive affect in acculturation: A resilience framework and a cross-cultural comparison. *Int J Intercultur Relations* 2008; 32: 505-14.
- 23- Smith BW, Tooley EM, Montague EQ, Robinson AE, Cospers CJ, and Mullins PG. The role of resilience and purpose in life in habituation to heat and cold pain. *J Pain* 2009; 10(5): 493-500.
- 24- Seligman M. Helplessness on depression, development and death. 2nd ed. San Francisco: Freeman Pub; 2001: 1-55.
- 25- Seligman M. Learned optimism. 3rd ed. New York: Alfred A Publication; 1992: 1-178.
- 26- Sanjuan P, Magallares A. A longitudinal study of the negative explanatory style and attribution of uncontrollability a predictors of depressive symptoms. *Personal Indivi Differ* 2009; 46(7): 714-8.
- 27- Sanjuan P, Perez C, Rueda B, and Ruiz A. Interactive effect of attributional styles for positive and negative events on psychology distress. *Personal Indivi Differ* 2008; 45(2): 187-90.
- 28- Lau JYF, Rijdsdijk F, et al. I think therefore I am: A twin study of attributional in adolescence. *J Child Psychol Psychiatry* 2006; 47(7): 696-703.
- 29- Barmas h. Comparison of self-attribution styles in both addicted and non-addicted teenagers. *J Addiction Studies* 2004; 2(6): 67-84.
- 30- Haj-Hussein M, Akhavan-Tafti S. Compare attribution style (learned helplessness model) in young Addicts and Yazd. *J Addiction Studies* 2003; 1(3): 133-148.
- 31- Abdollahzadeh H, Kashmiri M, Arab-Ahmadi F. Spiritual Intelligence Scale (29 items). Tehran: Institute for Dynamic Test match; 2011: 1-13.
- 32- Sheikholeslami R. Nuclear Instruments and controls the style of relationship with academic achievement considering the IQ, gender, and family background [MD thesis]. Shiraz University. 1998
- 33- Zohaee B. Exploring the relationship between self-concept and attribution styles and academic achievement in third year Biology course public school students in Tehran [MD thesis]. University Tarbyatmoalem. 2007
- 34- Peterson C, Seligman M. Causal explanations as a risk factor for depression. *Psychol Rev* 1984; 91: 347-74.
- 35- Seligman M, Peterson C, et al. Attributional style and depressive symptoms among children. *J Abnormal Psychol* 1984; 83(2): 235-8.



Comparing spiritual intelligence and attribution styles among addicted and no addicted women

Karami Nejad R(M.Sc)¹, Tabatabai Shahrabaki Z(BS)²

1. Corresponding Author: Teacher of Exceptional Children, Educational System, Yazd, Iran

2. Teacher of Biology, Educational System, Yazd, Iran

Abstract

Introduction: Spiritual intelligence is concerned with understanding the origin and meaning of life. In other words, it involves our ultimate goal to live. Therefore, this study aimed to compare the spiritual intelligence and the attribution styles among addicted and non-addicted women in Yazd.

Methods: In this correlational study, the study population consisted of all women in Yazd in 2013, among which a sample of 300 subjects were selected via multistage random cluster sampling from three areas of Yazd. As a matter of fact, 108 addicted subjects were selected referring to Addiction Treatment Centers via multistage cluster sampling. The 29-item spiritual intelligence questionnaire (Abdollah Zadeh et al.) and Attribution Style Questionnaire (ASQ) (Peterson Co Seligman) were applied and the study data were analyzed using t-test and Pearson correlation.

Results: The study results indicated a significant difference between addicted women and non-addicted ones in regard with spiritual intelligence (one-tailed, $P < 0.05$, $df = 405$, $t = 3.22$). Furthermore, addicted women significantly used negative attribution style against the failures (one-tailed, $P < 0.001$, $df = 406$, $t = 5.90$), and a positive correlation was observed between spiritual intelligence and attribution styles ($rs = 0.586$, $N = 406$, $P < 0.001$, two-tailed).

Conclusion: The results of the present study showed that, without understanding the meaning of life, human life would not be worth much. Life suffering without spirituality would not be meaningful and in dealing with life challenges, it will lead the humans to step down and get helpless. Finding the meaning of life as well as having a positive attribution style can be mentioned as effective elements in regard with the women's tendency to the drug.

Keywords: Addiction; Attribution styles; Spiritual intelligence; Substance abuse